

گزارشی از همایش سه روزه پروسی جنبش هنر مدرن در نقاشی معاصر ایران

علی شعار

۳۵۷

پس از چند هفته‌ای انتظار سرانجام نمایشگاه آثار ایرانی متعلق به موزه هنرهای معاصر تهران ۲۲ آذر ماه، با سخنرانی دکتر عبدالمجید حسینی راد افتتاح شد. این نمایشگاه که پس از نمایش آثار خارجی گنجینه موزه، آن هم با تمدیدهای چندین باره برگزار شد، فرصت بسیار مناسبی را به وجود آورده تا با مقایسه‌ای میان هنر مدرن ایران با جهان، به کاستی‌های هنر مدرن و یا اشتباهات و کج روی‌های آن پی برده، سعی در اصلاح آن داشته باشیم.

البته نباید جنبش نقاشی نوگرای ایران را خالی و عاری از آفرینشهای ارزنده و ماندنی هنری دانست. در میان آثار پیشگامان این هنر، کسانی چون جلیل ضیاءپور، حسین کاظمی، احمد اسفندیاری، جواد حمیدی و محمود جوادی پور، به نمونه‌هایی بدیع و اصیل برمی‌خوریم و در میان هنرمندان نسل بعد، چون مارکو گریگوریان، محسن وزیری مقدم، پرویز تناولی، حسین زنده‌رودی، منصور قندریز، فرامرز پیلارام، صادق تبریزی، غلامحسین نامی، محمد احصایی، مرتضی ممیز و دیگران آثار برجسته‌ای را مشاهده می‌کنیم که هنر مدرن ایران به پشتوانه آنها اعتباری جهانی پیدا کرده است. هنرمندان جنبش نوین در فضای پیش آمده در دهه ۲۰، از دستاوردهای تکنیکی جهان نیز استفاده کردند. آنان پی جوی هویت و فرهنگی مبتنی بر سنتهای ملی و تلفیق آن با دستاوردهای هنر غرب بودند.

زنده یاد جلیل ضیاءپور درباره این مسأله در جایی می‌آورد: «ما باید با حفظ هویت خود به

طرف پیوند و رابطه با فرهنگ جهانی برویم. من وقتی برگشتم عصبانی داشتم که چرا از این همه چیز که داریم استفاده نمی‌کنیم؟ دیده بودم که فرنگی‌ها در برابر گذشته خود چگونه عکس‌العمل نشان می‌دهند. در برابر امروز چه واکنشی دارند، چه قالبهایی برای عصبان خود می‌جویند و تحول خود را چگونه طی می‌کنند... کار و پیام من این بود که با تکیه بر ظرفیت فرهنگ بومی خود بینم چه چیزی در این جا هنوز زنده است و با زبان نقاشی جهان سازگاری دارد، آن را رشد بدهم و نهایتاً فرهنگ هنری کشور خودم را تعالی ببخشم».

استاد محمود جوادی پور اولین نفری بود که پای در گالری دوم نمایشگاه گذاشت و به نوعی این نمایشگاه را افتتاح کرد. او در جایی می‌گوید: «درست است که استادانی چون حیدریان داشتیم، اما در عین حال که ما را متوجه ارزشهای هنر کلاسیک اروپایی می‌کردند، شاگرد را از آموختن شیوه‌های نوباز نمی‌داشتند... ما آن سبک کمال‌الملکی را قبول نداشتیم، با جعبه رنگ و سه پایه و بوم راه می‌افتادیم و در هوای آزاد، از طبیعت اتودبرداری می‌کردیم، حتی در آتلیه هم خود را از قید و بندهای نقاشی کلاسیک آزاد کرده بودیم».

می‌توان گفت قبل از این که کمال‌الملک هنر غرب را به آن شکل وارد ایران کند، ما هنوز در ادامه هنر مینیاتور خودکار می‌کردیم. البته نمی‌توان گفت که هنر غرب با کمال‌الملک وارد ایران شد، چون هنر قاجار به گونه‌ای تحت تاثیر هنر غرب بود و حتی پیش از آن، هنر دوران صفویه هم از هنر غرب تاثیر گرفته بود. منتهی تاثیر هنر غرب بر هنر صفویه تأثیری بسیار مطبوع بود، ولی پس از آن هم‌زمان تحت سلطه هنر غرب قرار گرفت و به جایی رسیدیم که کمال‌الملک عین هنر غرب را وارد ایران کرد و از آن زمان هنر ما دو شاخه شد؛ بخشی سعی می‌کردند که هنر سنتی ایران را ادامه دهند و بخشی دیگر با هنر غرب رقابت می‌کردند.

فرح اصولی درباره این مسأله، یعنی اشتباهی که کمال‌الملک انجام داد و یا شاید به نوعی خیانت کمال‌الملک، در گفتگویی با خبرنگار ما، اظهار داشت: کمال‌الملک تحت تاثیر آن نوع هنر قرار گرفت و تصمیم گرفت که آن هنر را به ایران بیاورد، ولی گمان نمی‌کرد که بازتاب این کار چندین دهه و حتی قرن ادامه پیدا کند و تأثیری مخرب بر هنر ایران بگذارد. چون هنر ما سیر طبیعی خود را هرگز طی نکرد. دیگر کشورها که در زمینه هنر رشد واقعی خود را داشته‌اند، کشورهایی هستند که اگر مکاتب آنها را کنار هم بگذاریم، می‌بینیم این مکاتب با منطق و تحت تاثیر شرایط اجتماعی، سیاسی و شخصیت افراد آن کشور و موقعیتهای آن به وجود آمده، البته با این فرض که هنر بازتاب و آینه یک اجتماع است. البته بر عکس آن هم می‌تواند باشد و یک بدآموزی و یا خوش‌آموزی برای اجتماع داشته باشد.

تقریباً حدود نیم قرن پس از شروع مدرنیسم در هنر غرب، اثرات آن به ایران رسید. این مسأله

در شرایطی اتفاق افتاد که نقاشان ایرانی هنوز از مکتبهای قرنهای گذشته اروپایی و روشهای به جا مانده از هنر سنتی ایرانی در آثار خود استفاده می‌کردند، اما گسترش دامنه جنگ جهانی دوم به ایران و ورود متفکین در دهه ۲۰ هجری شمسی و تغییر وضع سیاسی و جو فرهنگی جامعه ایرانی، مجالی برای هنر مدرن ایران بوجود آورد و سرآغاز دوره‌ای جدید در نقاشی ایران شد، اما باز هم مشکل باقی بود.

«گیزلاوار گاسیتایی نقاش مجاری که حدود ۳۸ سال است در ایران زندگی و کار می‌کند، در این خصوص می‌گوید: «در آن دوره هر کس از هر جایی که می‌آمد، مکتب مورد نظر خود را نیز به ایران می‌آورد. البته آن چیزی که بیشتر به چشم می‌خورد، کار کسانی بود که با تجربه نقاشی غربی به دنبال ریشه‌های ایرانی خود می‌گشتند. کسانی چون فرامرز پیلارام، غلامحسین نامی، مرتضی ممیز و پرویز تناولی. همه اینها به شیوه‌ای فکر می‌کردند که برایم بسیار جالب بود، چون ریشه‌های ایرانی آنها را در آثارشان حس می‌کردم... آدمها در آن زمان دو دسته بودند. عده‌ای سنتی کار می‌کردند و عده‌ای مدرن که از این مدرنیستها عده‌ای از دانشجویان به خارج می‌رفتند و آنجا درس می‌خواندند و آنچه را که در خارج کار کرده بودند، به این جا می‌آوردند، بدون آنکه به این موضوع بیندیشند که اگر اثری را که با خود می‌آورند با ریشه‌های ایرانی عجین شود چه از آب در می‌آید - البته غیر از آن نقاشانی که نام بردم - در ایران مکتبهایی وجود داشت و بیشتر خط/نقاشی بود که نظر مرا گرفت. هنرمندان این رشته سعی می‌کردند در آثار خود میان نقاشی فرنگی و ریشه‌های خود تلفیقی داشته باشند. اما غیر از این افراد، در بقیه موارد هر کس می‌خواست آنچه را که آنجا دیده بود به کرسی بنشانند و البته این باور تقویت هم می‌شد؛ چراکه آن موقع امکاناتی نیز برای این آدمها فراهم می‌کردند و اشکال کار هم در همین بود.

شاید به جرأت بتوان گفت که نمایشگاه جنبش هنر مدرن ویژه آثار ایرانی موزه هنرهای معاصر تهران، به گونه‌ای اولین نمایشگاهی باشد که آثاری از سه نسل هنرمندان و یا شاید چهار نسل از نقاشان را به تماشا گذاشته است. آثاری که به موزه تعلق دارد و البته از میان گنجینه انتخاب شده. هیأت انتخاب نیز عبارت بودند از: دکتر عبدالمجید حسینی راد، دکتر ایرج اسکندری، کاظم چلیپا و مهدی حسینی.

دکتر حسینی راد، رئیس مرکز توسعه هنرهای تجسمی ایران و سرپرست موزه هنرهای معاصر تهران، در خصوص دلیل انتخاب آثار اظهار داشت: «در این نمایشگاه ناچار به انتخاب بودیم. هم به دلیل نمایش سیر رشد هنر مدرن در ایران و هم به دلیل محدودیتهای فضای نمایشگاهی. البته چون ما خود را ملزم کرده بودیم که آثار تنها از گنجینه موزه انتخاب شود، آثار بعضی از هنرمندان در این مجموعه قرار ندارد که این مسأله منکر حضور و تاثیر آنان در جنبش

اما مسأله‌ای که در این جا مطرح می‌شود چگونگی چیدمان این آثار است. رضا نامی، دبیر اجرایی نمایشگاه در این خصوص گفت: چیدمان آثار در این نمایشگاه مبتنی بر سیر تاریخی است. یعنی از ابتدا آثار هنرمندانی که پیش فراوان نهضت جنبش نوگرای ایران هستند، قرار گرفته و سپس نسل اندر نسل پیش رفته‌ایم. البته تعدادی از کارها عقب و جلو هم شده و آن هم تنها به دلیل سبب کارها و یا تکنیک آثار بوده است؛ یعنی اگر قرار باشد یک کار کاملاً آستره در کنار کار هم نسلی که فیگوراتیو کار کرده قرار گیرد، زیبایی نمایشگاه از بین می‌رود و این ملاحظات صورت گرفته که البته تعداد این جا به جایی بسیار اندک است.»

بخش پژوهش موزه هنرهای معاصر تهران، در راستای ایجاد بستری برای بحث و گفتگو درباره جنبش هنر مدرن ایران در نقاشی معاصر ایران، در روزهای ۲۶، ۲۷ و ۲۸ دی ماه، از ساعت ۳ تا ۷/۳۰ بعدازظهر، همایشی برگزار می‌کند.

به گزارش گروه فرهنگ و هنر «مهر»، در این همایش، صاحب‌نظران، هنرمندان و فرهیختگان جامعه هنرهای تجسمی، مهدی حسینی، جواد مجابی، زهرا رهنورد (در روز ۲۶ دیماه)، محمد امین میرفندرسکی، غلامحسین نامی، آیدین آغداشلو، هوشنگ کاظمی (در روز ۲۷ دیماه)، احمد نادعلیان، نصرت‌الله مسلمیان، مرتضی گودرزی، حسین خسروجردی (در روز ۲۸ دیماه) در سالن اجتماعات موزه هنرهای معاصر تهران به ایوار سخنرانی خواهد پرداخت.

بنا به این گزارش به نقل از روابط عمومی موزه هنرهای معاصر تهران، دوشنبه ۲۶ دی ماه، مهدی حسینی درباره زمینه‌های پیدایش نقاشی نوگرای ایران، جواد مجابی درباره چرخشی در محور عبور به مدرنیسم و زهرا رهنورد درباره جایگاه زنان در جنبش هنر مدرن ایران، سخنرانی می‌کنند. همچنین سه‌شنبه ۲۷ دی ماه، محمدامین میرفندرسکی درباره زمینه‌های اجتماعی و فکری تجددخواهی در ایران، غلامحسین نامی درباره بررسی گروه آزاد نقاشان و مجسمه‌سازان در عرصه هنر نقاشی معاصر ایران، آیدین آغداشلو درباره گرایشهای سنتی در هنر مدرن ایران و هوشنگ کاظمی درباره دانشکده هنرهای تزئینی سخنرانی می‌کنند. در ادامه این همایش، چهارشنبه ۲۸ دی ماه، احمد نادعلیان درباره هنر جدید ایران: رویکردها، چالش‌ها و دستاوردها، نصرالله مسلمیان درباره تاثیر گرایش‌های سیاسی - اجتماعی در هنر پس از انقلاب، مرتضی گودرزی درباره نقاشی انقلاب: ظهور، دگرگونی و افول و حسین خسروجردی درباره حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی سخنرانی خواهند کرد. موزه هنرهای معاصر تهران در خیابان کارگر شمالی، جنب پارک لاله واقع است و ورود برای علاقه‌مندان آزاد است.